

زمینه‌ها و هدف‌های اصلاحات آمریکایی در ایران

در این درس، با هدف‌های اصلاحات اجتماعی و اقتصادی موردنظر آمریکا در ایران و نیز اقداماتی که دولت‌های شریف امامی و امینی برای زمینه‌سازی و اجرای این سیاست انجام دادند آشنا می‌شوید.

تحول‌های بین‌المللی منطقه‌ای

سیاست خارجی آمریکا در دوره‌ی ریاست جمهوری جان اف. کندی^۱ در برابر کشورهای توسعه‌نیافته‌ی جهان سوم و خاورمیانه، اجرای اصلاحات از بالا به پایین با هدف پیشگیری از انقلاب‌های قهرآمیز بود.^۲ این سیاست با عنوان «اتحاد برای پیشرفت»^۳ در کشورهایی که در معرض خطر کمونیسم بودند، اجرا می‌شد؛^۴ بی‌آن‌که نظام دیکتاتوری و استبدادی حاکم بر آن کشورها تغییر یابد و در صورت مقاومت مردم توسط به زور برای اجرای آن پیش‌بینی شده بود.^۵ اجرای این سیاست درباره‌ی ایران از اهمیت خاصی برخوردار بود؛ زیرا رژیم دست‌نشانده‌ی شاه وابسته و متحد آمریکا بود و به دلیل همسایگی با اتحاد جماهیر شوروی و موقعیت ممتاز جغرافیای سیاسی، در وضعیتی حساس و تعیین‌کننده قرار داشت.^۶

۱- جان اف. کندی (John F. Kennedy) در ۲۰ ژانویه ۱۹۶۱ م/ ۱۳۳۹ ش. به عنوان سی و پنجمین رئیس‌جمهور آمریکا در

کاخ سفید بر مسند قدرت نشست.

۲- نظیر انقلاب‌هایی که در آمریکای لاتین، کوبا و ویتنام روی داده بود.

۳- Alliance for Progress

۴- برای نخستین بار این سیاست در کشور ونزوئلا در دوران ریاست جمهوری «رومولا بتانکورت» آزمایش شد. چون اجرای آن

با مخالفت و نظاهرات گسترده مردم روبه‌رو شد، منجر به سرکوب و قتل جمع کثیری از مردم شهر کاراکاس شد. ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، بیل، شیر و عقاب.

۵- آلن‌نان، تاریخ مستند روابط دوجانبه ایران و ایالات متحده آمریکا، ص ۴۷۹؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران،

ج ۱، ص ۱۱۳.

۶- بیل، شیر و عقاب، ج ۱، ص ۱۸۴.

کارشناسان مسائل ایران در وزارت امور خارجه‌ی آمریکا، گزارش‌هایی^۱ از وضعیت فساد حکومت شاه و سرکوب مخالفان سیاسی رژیم پهلوی تهیه کردند که نشان می‌داد وجود یک سلسله اصلاحات اقتصادی - اجتماعی در ایران ضروری است.^۲

علاوه بر این، صنایع و اقتصاد آمریکا و کشورهای غربی نیازمند بازارهای مصرف جدیدی بود و کشورهای خاورمیانه به علت ساختار اقتصادی مبتنی بر رژیم ارباب و رعیتی، امکان مصرف تولیدات جدید را نداشتند.^۳

به باور زمامداران آمریکا، اصلاحات اقتصادی و اجتماعی می‌توانست ضمن جلوگیری از «انقلاب سرخ» و کاهش خطر کمونیسم، زمینه‌ی ایجاد «انقلاب سفید» را فراهم آورد و از گسترش فعالیت‌های مردمی علیه حکومت‌های دیکتاتور و دست‌نشانده‌ی آمریکا جلوگیری کند.^۴

فکر کنید و پاسخ دهید:

منظور از انقلاب سفید، ماهیت و اهداف آن چیست؟



شریف امامی

نخست‌وزیری شریف‌امامی

در شهریور ۱۳۳۹، شاه با منصوب کردن شریف‌امامی به نخست‌وزیری و طرح شعارهایی مانند آزادی احزاب و فضای باز سیاسی و اصلاحات اقتصادی به استقبال از سیاست‌های جدید دولت آمریکا رفت. انتخاب شریف‌امامی در واقع حاصل توافق شاه و انگلستان با استفاده از فرصت انتخابات ریاست جمهوری آمریکا بود.^۵

با وجود این، کندی رئیس‌جمهوری آمریکا به شاه و

۱- این گزارش‌ها در اواخر سال ۱۳۳۹ توسط جان. دبلیو بولینگ John. W. Bouling و اوایل سال ۱۳۴۰ توسط کوتیلریانک

تهیه شد.

۲- نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۱۳۶-۱۳۸.

۳- با گذشت سالیانی که از جنگ جهانی دوم سپری شده بود؛ صنایع و اقتصاد اروپا دوباره فعال گردیده و نیاز به بازارهای مصرف احساس می‌شد. ن. ک: الهی، دیکتاتوری کارتل‌ها، ص ۵.

۴- گازیوروسکی، سیاست خارجی آمریکا و شاه، ص ۱۷۲؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۱۳۳.

۵- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۰۰ و ۳۰۱.

شریف‌امامی اعتماد نداشت و آن‌ها را برای اجرای برنامه‌هایش در ایران مناسب ندید. آمریکا، در این زمان، برای هموار کردن سیاست‌های خود در ایران، با برخی از رجال ایران ارتباط برقرار کرد و خواستار برکناری شریف‌امامی و روی کار آمدن علی امینی شد.^۱ علی امینی در دوران تصدی سفارت ایران در آمریکا بیش از پیش به مقامات آمریکایی نزدیک شده بود و با کندی ارتباط صمیمانه‌ای داشت.^۲

اصلاحات دوره‌ی نخست‌وزیری علی امینی

با روی کار آمدن علی امینی، سیاست‌های پیش‌بینی شده‌ی آمریکا، در ایران به اجرا گذاشته شد. قدم اول این سیاست مبارزه با فساد اداری بود که برای جلوگیری از سقوط رژیم پهلوی و افتادن حکومت ایران به دست کمونیست‌ها، صورت می‌گرفت. اقدام دوم، «اصلاحات اقتصادی» بود که برای تغییر زیرساخت‌های اجتماعی و اقتصادی کشور به اجرا درآمد.

علی امینی در اولین قدم، دست به اقدامی جنجالی زد. او از شاه درخواست انحلال مجلس‌های شورای ملی و سنا را کرد، تا موانع سر راه انجام نقشه‌های خود را از میان بردارد. به دنبال آن، جمعی زیاد از سران حکومت از نظامیان عالی رتبه گرفته تا مقام‌های اقتصادی را دستگیر کرد تا گناه مفاسد اقتصادی و سیاسی رژیم پهلوی را به گردن آنان بیندازد. علی امینی با این اقدام می‌خواست از تعمیق اعتراضات اجتماعی و مردمی علیه آمریکا جلوگیری کند.^۳ البته او به دنبال جاه‌طلبی‌های شخصی خود نیز بود و می‌خواست مستقل از شاه، با آمریکا ارتباط برقرار کند. شاه از این موضوع احساس نگرانی می‌کرد.^۴

اقدام دوم امینی، اجرای قانون اصلاحات ارضی بود. قانون «اصلاحات ارضی» که در بهمن ۱۳۴۰ در هیئت دولت به تصویب رسیده بود، از منطقه‌ی آذربایجان شروع شد. با سرعت گرفتن روند اصلاحات ارضی توسط علی امینی، شاه از ناحیه‌ی او احساس خطر کرد.

۱- منصوری، قیام ۱۵ خرداد، ص ۳۳؛ رجال عصر پهلوی، علی امینی به روایت اسناد ساواک. ص ۲۳.

۲- همان، ص ۱۴-۷ و ۲۰. هم چنین ن. ک: امینی، خاطرات، ص ۷۴؛ آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۱۹.

۳- آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۸۵ - ۳۸۶؛ رجال عصر پهلوی، علی امینی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۴.

۴- هویدا، سقوط شاه، ص ۱۴۰.

پیش‌تر بدانید

کندی، رئیس‌جمهور آمریکا، از مشاوران خود خواسته بود که برای دادن کمک به ایران شرایط خاصی تعیین کنند. آن هم در شرایطی که ایران به شدت به این وام نیاز داشت. شرط واگذاری وام ۳۵ میلیون دلاری آمریکا پذیرش نخست‌وزیری علی‌امینی از سوی شاه بود.^۱

آمریکا در دوران چهارده‌ماهه‌ی حکومت امینی، کمک‌های مالی که بالغ بر ۶۷ میلیون دلار بود، به ایران پرداخت کرد و این حمایت‌ها را منوط به حسن اجرای اصلاحات مورد علاقه‌اش کرد. امینی به دلیل ارتباط نزدیک با مقامات آمریکایی همواره مورد حسادت شاه قرار داشت. شاه بعدها با اعتراف به این موضوع گفت: «بدتر از همه این که موقع دیدارم از آمریکا هر جا می‌رسیدم، اول از همه حال و احوال نخست‌وزیر را از من می‌پرسیدند و رفتارشان به صورتی بود که گویی اصلاً من را به حساب نمی‌آوردند». با این همه وقتی که امینی درگیری‌اش بر سر لزوم کاهش بودجه‌ی نظامی آغاز شد، نتوانست حمایت آمریکا را جلب کند. این نخستین بار نبود که ایالت متحده‌ی آمریکا، در برابر نخست‌وزیر، جانب شاه را گرفته بود.^۲

محمدرضاشاه در فروردین ۱۳۴۱ به همراه اسدالله علم به آمریکا رفت و با کمک انگلستان توانست آمریکا را به برکناری امینی راضی کند و خود مجری اصلاحات مورد نظر آمریکا در ایران شود.^۴

پرسش‌های نمونه

- ۱- هدف آمریکا از انجام اصلاحات در کشورهای توسعه نیافته چه بود؟ این اصلاحات با چه عنوانی و در چه کشورهایی اجرا شد؟
- ۲- آمریکا چه هدفی در برکناری شریف امامی و انتصاب علی‌امینی به نخست‌وزیری داشت؟
- ۳- علی‌امینی در دوره‌ی نخست‌وزیری خود چه اقداماتی انجام داد؟

اندیشه و جست‌وجو

— درباره‌ی کمک‌های آمریکا به ایران در دوره‌ی نخست‌وزیری علی‌امینی گزارشی تهیه کنید.

۱- رجال عصر پهلوی، علی‌امینی به روایت اسناد ساواک، ص ۲۸ و ۲۹؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۰۸.

۲- هویدا، سقوط شاه، ص ۱۴۰.

۳- آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۸۶ و ۳۸۷.

۴- کاتم، ناسیونالیسم در ایران، ص ۴۳۲؛ امینی، خاطرات، ص ۲۰۵؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۲، ص ۱۸۶ و ۱۹۶.

زمینه‌های پیدایش نهضت روحانیت

در این درس با چگونگی روی کار آمدن دولت اسدالله علم و اجرای اصلاحات مورد نظر آمریکا در ایران از قبیل تصویب نامه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی و انقلاب سفید آشنا می‌شوید و مخالفت و مقاومت روحانیت و مردم در برابر این اصلاحات را می‌خوانید.

دولت اسدالله علم

با رحلت آیت‌الله بروجردی مرجع بزرگ تقلید شیعیان جهان در فروردین ماه ۱۳۴۰، شاه تصور کرد که زمینه برای جانشینی مرجع یا مراجع تقلید به جای آیت‌الله بروجردی وجود ندارد. از این رو فرصت را برای اجرای اصلاحات مورد نظر آمریکا مناسب دید.^۱

بیش‌تر بدانید

برای تقویت مرجعیت و تمرکز آن، عده‌ای از مدرسان حوزه‌ی علمیه‌ی قم تصمیم به دعوت از آیت‌الله بروجردی برای مهاجرت به قم گرفتند. از میان این عده، سرشناس‌ترین آن‌ها آیت‌الله خمینی بود. به عقیده‌ی ایشان بازسازی حوزه‌ی علمیه‌ی قم تحت زعامت مرجعیت مقتدر تنها عامل نجات تشیع ایران بود. آیت‌الله بروجردی که از شاگردان مراجع بزرگی چون آخوند خراسانی، سید محمد کاظم یزدی و جهانگیرخان قشقایی بود، علاوه بر تحول در حوزه‌ی علمیه‌ی قم نقش بسیار مهمی در حفظ جامعه‌ی مسلمانان ایران از آفت‌ها و بحران‌های سیاسی و اجتماعی آن مقطع حساس ایفا کرد. بسیاری از افرادی که در شکل‌گیری انقلاب اسلامی نقش داشتند، از شاگردان ایشان بودند.^۲

۱- شاه تلاش کرد تا پایگاه مرجعیت از قم به نجف انتقال یابد. از این رو ضایعه‌ی درگذشت آیت‌الله بروجردی را به علمای نجف تسلیت گفت. ن. ک: منصور، تاریخ قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد، ج ۱، ص ۲۴۰؛ دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۳۱.
۲- دوانی، مفاز اسلام، ج ۱۲، ص ۶۰۸؛ حقانی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، تاریخ حوزه‌ی علمیه‌ی قم، ص ۲۱۹؛ ریحان یزدی، آینه دانشوران، ص ۴۵۸.

در تیرماه ۱۳۴۱، شاه، علی امینی را به بهانه‌ی اختلاف بر سر بودجه‌ی نظامی^۱ بر کنار و اسدالله علم را که یکی از نزدیکان او بود، به نخست‌وزیری منصوب کرد.^۲ او هم چنین تصمیم گرفت که قانون انتخابات ایالتی و ولایتی را در غیاب مجلس شورای ملی تغییر دهد.^۳



تصویب نامه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی

قانون انجمن‌های ایالتی و ولایتی در اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی به منظور تشکیل شوراهای استان و شهرستان به تصویب رسیده بود و تا زمان نخست‌وزیری اسدالله علم این قانون بدون تغییر مانده بود. قانون مذکور در مهر ۱۳۴۱ توسط هیئت دولت تغییر کرد که براساس آن، شرط مسلمان بودن و سوگند به قرآن مجید از شرایط انتخاب‌شوندگان حذف شد.^۴

بیش‌تر بدانید

شاه در پوشش تصویب این لوایح اهداف متفاوتی را دنبال می‌کرد. او می‌خواست علاوه بر سنجش میزان حساسیت علما و توان مذهبی مردم، روحانیت و جریان مذهبی را که همواره سدی در برابر نفوذ سلطه‌ی بیگانگان در ایران به شمار می‌آمدند، در یک زورآزمایی کنار بزند تا مجبور به محافظه‌کاری در برابر آن‌ها نباشد. به همین منظور مطبوعات رسمی کشور با تیتراهای درشت به انعکاس تصویب این لوایح و اخبار مربوط به آن پرداختند.^۵

- ۱- عاقلی، نخست‌وزیران ایران، ص ۹۱۸ - ۹۲۰؛ رجال عصر پهلوی، علی امینی به روایت اسناد ساواک، ص ۴ و ۴۱.
- ۲- شاهدی، زندگانی سیاسی خاندان علم، ص ۱۴۹ و ۱۵۰؛ یادداشت‌های علم، ج ۱، ص ۳۴.
- ۳- نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۱۹۹؛ شاهدی، مردی برای تمام فصول، ص ۳۶۹ و ۳۷۰.
- ۴- روحانی، نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۴۹ - ۱۵۱؛ کوثر، ج ۱، ص ۶.
- ۵- منصور، سیرت‌کونی انقلاب اسلامی، ص ۱۴۹؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۷۵؛ کدی، ریشه‌های انقلاب ایران، ص ۲۷۵ و ۲۷۶.

این تصویب نامه اعتراض علما و مردم مسلمان ایران را برانگیخت. امام خمینی علمای طراز اول قم را به نشست‌ها و گفت‌وگوهای متعدد برای لغو این تصویب نامه فراخواند. وی با تشریح نقشه‌های استعمار و توطئه‌های آن‌ها مسئولیت علما را در قبال صیانت از اسلام و استقلال کشور یادآور شد و مقرر شد با ارسال تلگرام‌هایی به شاه، لغو فوری تصویب نامه‌ی مذکور درخواست شود.

مبارزه‌ی بی‌گیر امام خمینی، مراجع تقلید و دیگر علما سرانجام شاه و دولت را وادار به عقب‌نشینی و اعلام لغو تصویب نامه کرد. شاه در اجرای سیاست اسلام‌زدایی با شکست مواجه شد. این حرکت هماهنگ علما که به نهضت دو ماهه‌ی روحانیون شهرت یافت، اولین پیروزی سیاسی ملت ایران به رهبری امام خمینی بعد از کودتای ۲۸ مرداد بود.^۱

برخی از علمای قم این اقدام را کافی دانستند، اما امام خمینی با هوشیاری به تشریح اهداف پشت پرده‌ی رژیم پهلوی پرداخت و ماهیت دخالت آمریکا و صهیونیسم را در امور مملکت افشا کرد. ابعاد و عمق مبارزات امام خمینی فراتر از لغو تصویب نامه بود. ایشان در اعلامیه‌ها و سخنرانی بعدی خود اعلام خطر کرد که اسلام و استقلال مملکت و اقتصاد ایران در معرض توطئه‌ی صهیونیست‌هاست و تا رفع این خطرها نباید از پا نشست.^۲ امام خمینی با دوراندیشی قصد داشت با استفاده از فرصت به وجود آمده مبارزه‌ی دامنه‌داری را برای سرنگونی رژیم وابسته‌ی شاه و قطع سلطه‌ی آمریکا و اسرائیل و تشکیل حکومت مستقل و مردمی پایه‌ریزی کند.

انقلاب سفید

تصویب نامه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی مقدمه‌ی اجرای حرکتی در جهت خواست آمریکایی‌ها برای جلوگیری از نفوذ شوروی در ایران بود که بعدها از سوی شاه و دربار انقلاب سفید نام گرفت. بعد از لغو تصویب نامه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی، شاه در اثر فشار آمریکا، خود به میدان آمد و اعلام کرد قصد دارد اصول شش‌گانه‌ی به اصطلاح انقلاب سفید را به نظرخواهی بگذارد.

در این هنگام امام خمینی با آگاهی از اهداف شاه و نتایج زیان‌بار سیاست‌های مداخله‌جویانه‌ی آمریکا در ایران، مراجع و علمای قم را به شرکت در یک جلسه‌ی اضطراری فراخواند. در این نشست پس از تبادل نظر تصمیم گرفته شد، برای اطلاع بیش‌تر درباره‌ی همه‌پرسی و اهداف آن از شاه توضیح

۱- کوثر، ج ۱، ص ۶-۱۰؛ دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۸۷/۱۲۳-۱۴۷، ۱۱۲-۱۱۵؛ روحانی، بررسی و تحلیلی

از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۱۷۷-۱۹۱.

۲- روحانی، بررسی نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۰۵.

بخواهند. آیت‌الله روح‌الله کمالوند به نمایندگی از سوی مراجع و علما به دیدار شاه رفت.^۱ در این دیدار، شاه به جای پاسخ به سؤالات مراجع و علما، زبان به تهدید گشود.^۲

بیش‌تر بدانید

محمدرضا شاه در دیدار با آیت‌الله کمالوند اعلام کرد: «اگر آسمان به زمین بیاید و زمین به آسمان برود، من باید این برنامه را اجرا کنم، زیرا اگر نکنم، از بین می‌روم». او ضمن شکایت از علمای ایران خواست تا به جای مخالفت، مانند روحانیون دیگر کشورها دعاگوی شاه کشورشان باشند. آیت‌الله کمالوند در پاسخ گفت: «علمای شیعه، در تاریخ هزار ساله‌ی خود، هیچ‌گاه مأمور حکومت‌ها نبوده‌اند و نخواهند بود».^۳

به دنبال پاسخ شاه، امام خمینی و علما دریافتند که شاه با حمایت آمریکا، به هر نحو ممکن مصمم به پیشبرد و اجرای این برنامه است. امام خمینی طی سخنانی فرمودند: «اکنون طرف حساب علما شخص شاه است نه دولت؛ زیرا او در مرز مرگ و زندگی قرار گرفته و چنان‌که خود اظهار داشته عقب‌نشینی او به قیمت سقوط و نابودی‌اش تمام خواهد شد. باید توده‌ی ملت را از اهداف استعماری این لوایح آگاه کنیم».^۴

تحریم رفتارندوم و قیام مردم

با انتشار اعلامیه‌ی امام خمینی و اعلامیه‌های دیگر از سوی سایر علما و مراجع نظیر آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله مرعشی نجفی و آیت‌الله خوانساری نسبت به غیرقانونی بودن رفتارندوم (همه‌پرسی)، مردم تهران و قم و دیگر شهرستان‌ها به خیابان‌ها ریختند. دانشجویان دانشگاه تهران نیز با صدور اعلامیه‌ای اقدامات ضداسلامی و غیرقانونی رژیم را محکوم کردند.^۵

بازار تهران تعطیل شد و مردم در قسمت‌های جنوبی شهر تظاهرات اعتراض‌آمیز به پا کردند. رژیم برای کنترل اوضاع، تهران را به اشغال نظامی درآورد و به سرکوب مردم و هجوم به دانشگاه تهران پرداخت و تعدادی از روحانیون را دستگیر و روانه‌ی زندان کرد.^۶

در کنار مخالفت علما و روحانیون، نهضت آزادی نیز با لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی

۱- آیت‌الله روح‌الله کمالوند از مدرسان توانای فقه، اصول و فلسفه‌ی حوزه علمیه قم بود.

۲- دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۲۰۱؛ روحانی، بررسی نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۲۳؛ کوثر، ج ۱، ص ۳۴.

۳- ن. ک: رجبی، زندگی‌نامه‌ی سیاسی امام خمینی، ص ۲۶۳.

۴- کوثر، ج ۱، ص ۳۷ و ۳۸.

۵- کریمیان، جنبش دانشجویی در ایران، ص ۱۷۲-۱۷۴؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۱، ص ۲۳۲.

۶- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۳۷؛ کوثر، ج ۱، ص ۳۵ و ۳۶.

و برگزاری رفراندوم مخالفت کرد. این تشکل سیاسی مذهبی پس از دیدار با مراجع قم و با صدور اعلامیه‌ای، به دفاع از نهضت روحانیت برخاست^۱ و مشی سیاسی خود را از جبهه‌ی ملی متمایز کرد و به افشای ماهیت اصلاحات شاه، کندی و انقلاب سفید پرداخت،^۲ اما به زودی رهبران آن از جمله مهندس بازرگان و آیت‌الله طالقانی دستگیر شدند. آن‌ها تا پس از قیام ۱۵ خرداد در زندان باقی ماندند اما جبهه‌ی ملی تنها به شعار «اصلاحات آری، دیکتاتوری نه» کفایت کرد.

در روز چهارم بهمن ماه ۱۳۴۱، شاه به قم رفت تا با سخنرانی در این شهر که کانون اصلی مخالفان بود، ثابت کند علما در مخالفت با اصول شش‌گانه یکپارچه نیستند. علمای قم به رهبری امام خمینی استقبال از شاه و حضور در مراسم را تحریم کردند.^۳ شهر قم یکپارچه تعطیل شد. شاه برخلاف انتظارش با مشاهده‌ی این حوادث طی نطقی که با عصبانیت تمام ایراد شد، به روحانیت و اسلام اهانت کرد.^۴

در چنین شرایطی که انتخابات تحریم شده بود، شاه با اعمال فشار و خشمونت، همه‌پرسی فرمایشی خود را در ۶ بهمن ۱۳۴۱ برپا کرد و در پی آن، رئیس جمهور آمریکا و ملکه‌ی انگلیس این رفراندوم را به شاه تبریک گفتند.^۵

چند روز بعد، دولت علم تصویب‌نامه‌ی لغو شده‌ی انجمن‌های ایالتی و ولایتی را به صورت ماده‌ی اصلاحی قانون انتخابات به مورد اجرا گذاشت و این کار مورد اعتراض امام خمینی واقع شد، و آن را از نظر قانون اساسی و شرعی بی‌اعتبار دانست.^۶

۱- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام‌خمینی، ج ۱، ص ۱۸۴-۱۸۶ و ۲۰۵.

۲- فارسی، زوایای تاریک، ص ۷۶.

۳- حتی تولیت آستانه‌ی حضرت معصومه (ع) نیز از شرکت در این مراسم خودداری کرده بود.

۴- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۲۳؛ مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۱۷.

۵- روزنامه اطلاعات (۱۳۴۱/۱۱/۱)، ن. ک: پیل، شیر و عقاب، ج ۱، ص ۲۳۲؛ نراقی، از کاخ شاه تا زندان اوین، ص ۲۰. رادیو مسکو و مجله هفتگی «نوویاگرینا» نیز به ستایش از اقدامات شاه پرداخت. جالب توجه این است که در جریان اصلاحات و انقلاب سفید دولت آمریکا و شوروی مواضع یکسانی در برابر نهضت مردم اتخاذ کردند. ن. ک: جواد منصوری، سیر تکوینی انقلاب اسلامی، ص ۱۸۱؛ عرفان‌منش، خاطرات ۱۵ خرداد، ج ۲، ص ۲.

۶- شاهی، مردی برای تمام فصول، ص ۳۲۲.

پرسش‌های نمونه

- ۱- در دوره‌ی نخست وزیری عَلم چه تغییری در شرایط انتخابات انجمن‌های ایالتی و ولایتی ایجاد شد؟ علما چه عکس‌عملی نسبت به آن نشان دادند؟
- ۲- امام خمینی (ره) و دیگر علما در مقابل رفراندوم اصول شش‌گانه (انقلاب سفید)، چه موضعی اتخاذ کردند؟

اندیشه و جست‌وجو

- ۱- درباره‌ی برنامه‌های رژیم پهلوی برای اسلام‌زدایی و محدود کردن روحانیون، مطلبی تهیه کنید.

قیام ۱۵ خرداد

در این درس با چگونگی گسترش نهضت امام خمینی و قیام پانزده خرداد، تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون و تبعید حضرت امام خمینی آشنا خواهید شد.

همان‌طور که در درس پیشین خواندید رژیم پهلوی، برای اجرای سیاست‌های آمریکا، دست به فراندوم انقلاب سفید زد که باعث اعتراض علما و مردم شد، زیرا اجرای سیاست‌های آمریکا، علاوه بر گسترش وابستگی کشور و نابودی بنیادهای اقتصادی، منجر به اسلام‌زدایی نیز می‌شد.

حمله به فیضیه

با نزدیک شدن نوروز ۱۳۴۲، امام خمینی، در اعتراض به سیاست‌های رژیم پهلوی، اعلام عزای عمومی کرد؛ دیگر مراجع و علما نیز، از او پیروی کردند. دوم فروردین ماه، در جریان برگزاری مراسم عزاداری شهادت حضرت امام صادق (ع)، نیروهای ساواک و کماندوهای «شاه»^۱، در لباس غیر نظامی به مدرسه‌ی فیضیه‌ی قم حمله کردند و عده‌ای از روحانیان را به شهادت رساندند و یا زخمی کردند.^۲ آنان درهای حجره‌ها را شکستند و قرآن‌ها و کتاب‌ها را پاره کردند و به بیرون ریختند. حتی به مجروحان بستری شده‌ی این ماجرا در بیمارستان قم نیز حمله بردند و آن‌ها را در بیمارستان، دستگیر کردند.^۳ همزمان با این فاجعه، به مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز نیز حمله شد و چند تن در این حادثه مجروح و شهید شدند.^۴ هدف رژیم، از یورش به مدرسه‌ی فیضیه ایجاد ارباب و وحشت بود.

۱- لشگر ۱ گارد شاهنشاهی.

۲- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۳۳۹-۳۴۸.

۳- کوثر، ج ۱، ص ۵۰-۵۲.

۴- کرباسچی، هفت‌هزار روز تاریخ، ج ۱، ص ۱۳۵.

امام خمینی، طی اعلامیه‌ای اظهار داشت: «ناراحت نشوید. مضطرب نگردید. ترس و هراس را از خود دور کنید. دستگاه حاکمه با ارتکاب این جنایت، خود را رسوا و مفتضح ساخت و ماهیت چنگیزی خود را به خوبی نشان داد... ما پیروز شدیم. ما از خدا خواستیم که این دستگاه ماهیت خود را بروز دهد و خود را رسوا کند»^۱.

حادثه‌ی خونین فیضیه پیامدهای مختلفی داشت و برخلاف انتظار رژیم مبارزه را جدی و آشکارتر کرد. روحانیون تهران، قم، مشهد، اصفهان، شیراز و برخی از دیگر شهرستان‌ها به منظور ابراز همدردی و پشتیبانی از حوزه‌ی علمیه قم به مدت یک هفته دست به اعتصاب زدند و از رفتن به مساجد و اقامه‌ی نماز جماعت خودداری کردند.^۲

امام خمینی در اعلامیه‌ی معروف خود، شاه دوستی را با غارت‌گری، جنایت و تجاوز به احکام اسلام مساوی دانست و به نام ملت، نخست‌وزیر را استیضاح کرد^۳ و فرمودند: «من اکنون قلب خود را برای سرنیزه‌های مأمورین شما حاضر کرده‌ام». رهبری نهضت هم‌چنین اظهار حقایق را به هر قیمتی واجب و تقیه را حرام کرد.^۴

قیام پانزده خرداد

در عصر عاشورای سال ۱۳۸۳ ق. مطابق با سیزدهم خرداد ۱۳۴۲، امام خمینی به مدرسه فیضیه قم رفت، تا درباره‌ی مسائل سیاسی روز، به ایراد سخن بپردازد. گزارش مأمور ویژه ساواک که در محل حضور داشته، در این باره، گستردگی اعتراض مردمی و حمایت از امام خمینی را به خوبی نشان می‌دهد وی می‌نویسد: «در تاریخ قم چنین جمعیتی دیده نشده است. خمینی را مثل امام وارد کردند و تمام جمعیت آن‌چنان صلوات فرستاد که تا دو کیلومتر صدای آن‌ها شنیده می‌شد».^۵

یک روز پس از این سخنرانی، در بامداد چهاردهم خرداد، امام خمینی در خانه‌ی خود دستگیر و به تهران منتقل شد. هم‌زمان، چند تن دیگر از علمای شهرستان‌ها نیز دستگیر و زندانی شدند.^۶ با انعکاس

۱- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۵۸؛ کوثر، ج ۱، ص ۳۸.

۲- کوثر، ج ۱، ص ۶۳؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۸۷.

۳- استیضاح یعنی توضیح خواستن از دولت یا وزیر در مورد یک واقعه.

۴- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۳۷۰-۳۷۴؛ کوثر، ج ۱، ص ۶۳.

۵- حسینیان، سه سال ستیز مرجعیت شیعه در ایران، ص ۴۶۶.

۶- هم‌زمان با دستگیری امام خمینی، آیت‌الله قمی در مشهد و آیت‌الله محلاتی را در شیراز دستگیر کردند و در مدت کوتاهی ۵۳ نفر

از علمای تهران و شهرستان‌ها نیز دستگیر شدند. فراتی، تاریخ شفاهی انقلاب اسلامی، ص ۱۳۱.



خبر دستگیری امام خمینی، در پانزدهم خرداد موجی عظیم از اعتراض مردمی در قم به پاخاست. به دنبال آن، در تهران و شهرستان‌های ورامین^۱، مشهد، قزوین، کاشان، شیراز^۲، تبریز^۳ و اصفهان^۴ و چند شهر دیگر نیز، تظاهرات اعتراض‌آمیز به راه افتاد.

اسدالله علم، نخست‌وزیر، به فرمان شاه، دستور کشتار بی‌رحمانه‌ی مردم را صادر کرد. در تهران و قم دامنه‌ی تظاهرات بسیار گسترده بود. به همین سبب با اعلام حکومت نظامی، تانک‌ها و مسلسل‌های سنگین به خیابان آمدند. در قم هواپیماهای نظامی بر فراز شهر به پرواز درآمدند.^۵ حضور زنان در تظاهرات اعتراض‌آمیز قم چشم‌گیر بود.^۶ مردم خواستار آزادی امام خمینی بودند. آیت‌الله مرعشی نجفی به میان تظاهرکنندگان رفت و اعلام کرد: «نخواهیم گذاشت آسیبی به خمینی عزیزمان برسد».^۷ با حرکت روحانیون به سمت حرم، درگیری و صدای رگبار مسلسل‌ها شدت یافت. مأموران با محاصره‌ی تظاهرکنندگان آن‌ها را مانند برگ پاییزی به زمین ریختند. تنها در یک کوچه تعداد ۳۲ نفر شهید و مجروح شدند.^۸ اجساد شهدا در کامیون‌های نظامی به مقصد نامعلومی حمل شد.^۹

۱- مردم پیشوای ورامین در حمایت از امام خمینی درحالی‌که کفن بر تن کرده بودند و با بای پیاده به سوی تهران در حرکت بودند، قبل از رسیدن به تهران، مورد هجوم نظامیان قرار گرفتند و دسته‌جمعی به خاک و خون کشیده شدند و عده‌ای از آن‌ها به شهادت رسیدند و یک بار دیگر حادثه‌ی ۳۰ تیر ۱۳۳۱ در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ در کشتارهای ورامین تکرار شد.

۲- در حوادث خونین ۱۶ خرداد در شیراز تعداد زیادی شهید و مجروح شدند که بیش‌ترین آن‌ها دانش‌آموزان و نوجوانان بودند.

ن. ک. عرفان‌منش، خاطرات ۱۵ خرداد در شیراز، ج ۲، ص ۲.

۳- ن. ک. باقری، خاطرات ۱۵ خرداد تبریز، ج ۲، ص ۱۰۳.

۴- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۳، ص ۸۴-۸۶.

۵- مدنی، تاریخ سیاسی معاصر، ج ۲، ص ۴۵ و ۴۶؛ طاهری خرم‌آبادی، خاطرات.

۶- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۴۷۶.

۷- اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۱۹.

۸- کوچه نمازی. ن. ک. مدنی، تاریخ سیاسی معاصر، ج ۱، ص ۴۶.

۹- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۴۰۸.

در تهران، بازار تعطیل شد. مردم به سوی خیابان‌ها سرازیر شدند.^۱ دانشجویان دانشگاه تهران با شنیدن خبر دستگیری امام خمینی بلافاصله کلاس‌ها را تعطیل کردند و با شعار مرگ بر دیکتاتور، خواستار آزادی امام خمینی شدند که با نیروهای انتظامی مواجه شدند.^۲ در جنوب شهر تهران دسته‌ای از تظاهرکنندگان به سمت ایستگاه رادیو حرکت کردند. با ورود گارد شاهنشاهی، قتل‌عام صدها نفر از مردم آغاز شد.^۳ اسدالله علم، نخست‌وزیر، درباره‌ی کشتار مردم در ۱۵ خرداد اعتراف می‌کند که شاه نه تنها دستور تیراندازی داد؛ بلکه از قتل‌عام مردم پشتیبانی کرد.^۴ شاه بعدها اعلام کرد که از بابت دستور تیراندازی در واقعه‌ی ۱۵ خرداد ابداً متأسف نیست.^۵ نبود برنامه برای تظاهرات و خودجوش بودن حرکت اعتراض‌آمیز مردم (بدون سازماندهی) باعث شد که دولت امکان سرکوب تظاهرکنندگان را بیابد. به گفته‌ی ارتشبد فردوست، یکی از نزدیک‌ترین مشاوران امنیتی شاه، آن روز اگر تظاهرکنندگان، تظاهرات خود را ادامه می‌دادند، قطعاً شاه از کشور می‌گریخت.^۶

برگی از تاریخ

فرازهایی از زندگانی امام خمینی رحمه الله علیه

روح‌الله موسوی خمینی در بیستم جمادی‌الثانی ۱۳۲۰ ق. برابر با چهارشنبه اول مهر ۱۲۸۱ ش. همزمان با سالروز میلاد بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه (س) در خانواده‌ای از اهل علم و مبارزه در شهر خمین دیده به جهان گشود. او وارث سجایای پدرانش که نسل اندر نسل در کنار هدایت مردم به کسب معارف الهی کوشیده‌اند، بود.

درحالی که کمتر از ۵ ماه از ولادت روح‌الله می‌گذشت، پدرش آیت‌الله سید مصطفی موسوی^۷ که در شهر خمین حامی مردم در برابر ظلم خوانین و حکام منطقه بود، در دفاع از مردم، مظلومانه به شهادت رسید.

۱- باقری، خاطرات ۱۵ خرداد، ج ۴، ص ۲۵، ۹۷ و ۱۲۰؛ عراقی، ناگفته‌ها، ص ۱۸۴.

۲- منصور، قیام ۱۵ خرداد، ص ۱۷۴.

۳- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۴۸۵ و ۴۸۶؛ فردوست، ظهور و سقوط پهلوی، ج ۱، ص ۵۱-۵۱۳.

۴- لاینک، مصاحبه با شاه، ص ۲۳۸.

۵- بلانشه، ایران، انقلاب به نام خدا، ص ۵۶؛ فالاحی، مصاحبه با شاه ایران، ص ۱۶.

۶- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۵۱۴. متن کامل مذاکرات هیئت دولت طاغوت در ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، اسناد فاش‌نشده‌ای از قیام ۱۵ خرداد، ص ۲۲-۳۱.

۷- آیت‌الله سید مصطفی موسوی از معاصران مرحوم آیت‌الله میرزای شیرازی بود. او پس از تحصیل در حوزه‌ی نجف و سامرا به درجه‌ی اجتهاد نایل آمد و به ایران بازگشت. او رهبری و اداره‌ی امور مردم خمین را برعهده گرفت.

به این ترتیب امام خمینی از او ان کودکی با رنج یتیمی آشنا و با مفهوم شهادت روبه‌رو شد. پس از شهادت پدرش دوران کودکی و نوجوانی را تحت سرپرستی مادر مؤمنه‌اش (بانو هاجر) که از خاندان علم و تقوا بود و هم‌چنین عمه‌ی مکرمه‌اش (صاحبه خانم) که بانویی شجاع و حق‌جو بود، گذراند. دوران کودکی و نوجوانی روح‌الله هم‌زمان با بحران‌های سیاسی و اجتماعی بود و از همان زمان او با مسائل سیاسی، دردها و رنج‌های مردم ایران آشنا شد. دیری نپایید که روح‌الله در سن ۱۵ سالگی از نعمت وجود آن دو عزیز نیز محروم گردید. وی در سال ۱۲۹۸ ش. پس از فراگرفتن علوم مقدماتی عازم حوزه‌ی علمیه اراک شد.

امام خمینی با بهره‌گیری از هوشی سرشار و استعدادی فوق‌العاده، رشته‌های مختلف علوم اسلامی را به سرعت طی کرد و علاوه بر فقه و اصول، فلسفه و عرفان را نیز در عالی‌ترین سطح نزد استادان برجسته‌ی آن زمان آموخت و در پی هجرت آیت‌الله‌العظمی شیخ عبدالکریم حایری یزدی در سال ۱۳۰۱ ش. به قم و تشکیل مرکزیت حوزه‌های علمیه، امام خمینی هم‌اندکی بعد مشتاقانه به قم مهاجرت کرد.

امام خمینی از سن ۲۷ سالگی به تألیف کتاب پرداخت. حاصل این تلاش، نگارش ده‌ها جلد کتاب در موضوعات مختلف فقه، اصول، تفسیر، عرفان، اخلاق، احکام و فلسفه است.

امام خمینی در کتاب کشف‌الاسرار که در سال ۱۳۲۲ ش. منتشر شد، به انتقاد از سیاست‌های استعماری و ضد اسلامی دوران ۲۰ ساله‌ی رضاشاه پرداخت و هم‌چنین برای اولین بار در این کتاب به طرح مسئله‌ی «ولایت فقیه» و تشکیل حکومت اسلامی تأکید کرد.

نخستین بیانیه‌ی سیاسی امام خمینی یک سال بعد (۱۳۲۳ ش) صادر شد. وی در این بیانیه به‌طور آشکاری علمای اسلام و جامعه‌ی مسلمان را به قیام عمومی فرا خواند و زنگ خطر و بیدارباش را در برابر سیاست‌های استعماری قدرت‌ها به صدا درآورد.

پس از ارتحال آیت‌الله‌العظمی بروجردی مرجعیت امام خمینی فراگیر شد و مورد استقبال مردم ایران قرار گرفت. بسیاری از علما ایشان را به‌عنوان مرجع اعلم معرفی کردند. این درحالی بود که وی به شدت از مطرح‌شدن خویش به‌عنوان مرجع تقلید پرهیز داشت. امام خمینی در طول حیات پربرکت خود شاگردان زیادی تربیت کرد که می‌توان به متفکرانی چون شهید استاد مطهری، شهید آیت‌الله بهشتی و آیت‌الله خامنه‌ای اشاره کرد.^۱

پس از سرکوب و کشتار مردم در قیام ۱۵ خرداد، موج دستگیری‌ها و تبعیدها در سراسر کشور آغاز شد و یاران امام خمینی یکی پس از دیگری روانه‌ی زندان و تبعیدگاه شدند و جوانمردانی چون طیب حاج‌رضایی و حاج‌اسماعیل رضایی که پیش‌تاز تظاهرات مردم جنوب تهران، در ۱۵ خرداد بودند، پس از دستگیری و شکنجه‌های شدید تیرباران شدند^۲. با خاموش کردن شعله‌های قیام ۱۵ خرداد و درهم‌شکستن قیام عشایر فارس و اعدام سران آن‌ها که به پشتیبانی از نهضت امام خمینی و روحانیت

۱- جهت اطلاع بیشتر، ن. ک: انصاری، حدیث بیداری، ص ۱۳-۳۵؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۲۰-۲۷؛ رجبی، زندگی‌نامه‌ی سیاسی امام خمینی، ص ۱-۱۰.

۲- دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۵۲۷؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست‌وپنج‌ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۲۹۷؛ کوشج، ج ۱، ص ۹۷.

برخاستند،^۱ احساس موفقیت در انجام اصلاحات مورد نظر آمریکا در محمدرضاشاه آشکارتر شد.

بیش‌تر بدانید

مهاجرت علما به تهران و تلاش برای آزادی امام خمینی

پس از دستگیری امام خمینی و عده‌ای از علمای تهران و شهرستان‌ها، روحانیون شهرهای مختلف ایران و نجف، کربلا و کاظمین ضمن تعطیلی حوزه‌های علمیه، با صدور اعلامیه و تلگرام‌های متعدد ضمن محکوم کردن قتل عام و کشتار مردم عزادار و معترض در روزهای پانزدهم و شانزدهم خردادماه خواستار آزادی بی‌قید و شرط امام خمینی و سایر روحانیون شدند.^۲

این اقدام که به‌طور سریع و گسترده انجام شد، بی‌نتیجه ماند. تهدیدهای اسدالله علم نخست‌وزیر که اعلام کرده بود، روحانیون دستگیر شده از جمله امام خمینی را محاکمه‌ی صحرائی خواهد کرد،^۳ بر نگرانی آن‌ها افزود؛ چون براساس شواهد، احتمال می‌رفت که رژیم پهلوی اقدام به اعدام رهبر نهضت کند.^۴ از این رو در تاریخ ۱۷ خرداد ۱۳۴۲ گروه زیادی از علمای برجسته‌ی سراسر کشور در اقدامی هماهنگ – هم‌چون مهاجرت صغری و کبری در نهضت مشروطه – به سوی تهران مهاجرت کردند تا حمایت و وفاداری خود را نسبت به امام خمینی اعلام کنند. رژیم اقدام به ممانعت از مهاجرت علما کرد و حتی هوایم‌ای آیت‌الله میلانی را که از مشهد عازم تهران بود، در نیمه راه بازگرداند.^۵ سرانجام تحصن و اعتصاب ۱۴ روزه‌ی علما و تلاش آن‌ها موجب شد تا رژیم از محاکمه و تبعید امام خمینی عقب‌نشینی کند و پس از مدتی، امام را از زندان آزاد و به خانه‌ای در داودیه و سپس قیصریه‌ی شمیران منتقل کرده و تحت نظر مأموران امنیتی قرار داد. در طول مدت مهاجرت ۱۴ روزه علما، بازار تهران تعطیل بود.^۶

- ۱- عشایر میهن‌دوست و غیرتمند فارس در حوادث مهم تاریخ سیاسی معاصر ایران نقش مهمی در صیانت از استقلال کشور را بر عهده داشتند. در حوادث ۱۵ خرداد شیراز به حمایت از این نهضت پرداختند. رژیم پهلوی که از بی‌بستن عشایر احساس خطر کرد، برای کنترل و خلع سلاح آن‌ها، اقدام به سرکوب گسترده‌ی جنبش عشایر در منطقه‌ی جنوب کرد. حضور سرهنگ گراتیان یا تسویج کارشناس برجسته‌ی سازمان سیا در جنگ‌های روستایی حکایت از اهمیت عملیات جنوب دارد. به دستور شاه، سپهبد آریانا، با نهایت قساوت و بی‌رحمی به سرکوبی قیام عشایر پرداخت. او به بهانه‌ی انهدام مواضع عشایر که به کوه‌ها پناه برده بودند، با استفاده از هواپیماهای بمب‌افکن آمریکایی و آتش توپخانه، مناطق مسکونی عشایر و سیاه‌چادرها را به‌طور وحشیانه‌ی ویران ساخت. او وقتی که مقاومت عشایر را مشاهده کرد، در یک جنگ روانی آن‌ها را وادار به تسلیم کرد و سران وطن‌پرست و مسلمان آن‌ها از جمله حبیب‌الله شهبازی را به جوخه اعدام سپرد. (ن. ک. عرفان منش، خاطرات ۱۵ خرداد در شیراز، ج ۱، ص ۴۷، ۸۴، ۹۳ و ۹۴ ج ۲، ص ۷۳، ۷۴، ۱۱۵ و ۱۶۷؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۵۵-۵۱).
- ۲- دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۳، ص ۴۰۵؛ اسناد انقلاب اسلامی، ج ۱، ص ۱۲۲-۱۳۵. ج ۲، ص ۷۹-۸۱.
- ۳- محاکمه صحرائی یعنی محاکمه فرد بدون حق انتخاب وکیل. در این باره، ن. ک. کرباسچی، هفت‌هزار روز تاریخ ایران، ص ۱۵۱.
- ۴- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۵۵۹.
- ۵- مدنی، تاریخ سیاسی معاصر ایران، ج ۲، ص ۴۶؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ص ۵۵۸ و ۵۵۹.
- ۶- مدنی، همان، ج ۲، ص ۵۴؛ کوثر، ج ۱، ص ۲۹.

دست‌آوردهای قیام ۱۵ خرداد

قیام ۱۵ خرداد دارای ابعاد ضد استعماری و ضد استبدادی بود که توانست به‌طور فراگیری توده‌های مختلف مردم را در صحنه‌ی مبارزه علیه رژیم دست‌نشانده‌ی پهلوی بسیج کند و به دلیل اعتقاد راسخ امام خمینی به حمایت از اسلام راستین که از سیاست جدا نیست، بذر فرهنگ مبارزه به‌عنوان یک تکلیف الهی در جامعه کاشته شد که ثمرات آن در پیروزی انقلاب اسلامی به بار نشست.

از دیگر پیامدهای قیام ۱۵ خرداد، افزایش رشد سیاسی در میان حوزه‌های علمیه و روحانیت و گرایش بیش‌تر روشنفکران و دانشگاهیان به ارزش‌های اسلامی به‌عنوان برافروزنده‌ی مشعل مبارزات سیاسی بود و در جهانی که لیبرالیسم غربی و مارکسیسم شرقی کارآیی خود را در رهایی کشورهای تحت ستم از سلطه‌ی استبداد و استعمار از دست داده بودند، پیوستگی دین و سیاست ظهور کرد.

قیام ۱۵ خرداد هم‌چنین به جریان‌های مبارز دینی و غیردینی نشان داد که رژیم شاه از طریق مسالمت‌آمیز و در چارچوب قانون اساسی اصلاح‌ناپذیر است و برای مبارزه با نظام استبدادی و وابسته راهی جز مبارزه‌ی مستمر وجود ندارد.

قیام ۱۵ خرداد نقطه‌ی عطف مهمی در جنبش‌های تاریخ معاصر ایران و جهان اسلام به‌شمار می‌رود که شکل جدیدی از مبارزه را عرضه و آزمایش کرد و تجربه‌ی گران‌قدری بود که توانست با رهبری امام خمینی مبارزه‌ی ملت ایران را تا دست‌یابی به پیروزی در ۲۲ بهمن‌ماه ۱۳۵۷ تداوم و ثمر بخشد.^۱

دولت حسنعلی منصور

با برکناری اسدالله علم از نخست‌وزیری و روی کار آمدن حسنعلی منصور، نسل جدیدی از سیاستمداران، قدرت را به‌دست گرفتند. آن‌ها برخلاف پیشینیان خود، بیش از انگلستان، موافق و همسو با سیاست‌های آمریکا بودند. دخالت آمریکا در روی کار آوردن منصور موجب نگرانی دولت‌مردان حامی سیاست‌های انگلیس در ایران شد.^۲ منصور پس از دست‌یابی به قدرت، به تغییرهایی گسترده در عرصه‌ی مدیران کشور دست زد. دولت منصور برای انجام سیاست‌هایش نیاز به آرامش داشت. شاه با

۱- جهت اطلاع بیشتر: ن. ک: الگار، انقلاب اسلامی؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۲، ص ۲۱۳؛ نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی

ایران، ج ۱، ص ۲۴۰؛ آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۵۲۳ و ۵۲۴.

۲- حزب ایران نوین به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۳۲۰؛ فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۲، ص ۳۵۵-۳۶۱.

هدف جلب رضایت امام خمینی و ترس از رویارویی با قیامی دیگر، در هفدهم فروردین ۱۳۴۳، ایشان را آزاد کرد. اما امام خمینی هم‌چنان بر استمرار مبارزه پافشاری کرد.^۱

بازگشت کاپیتولاسیون

با افزایش حضور آمریکایی‌ها و مستشاران و نظامیان آن‌ها در ایران، دولت حسنعلی منصور، ضمن تقدیم لایحه‌ای به مجلس شورا که قبلاً در دولت علم تنظیم و تصویب شده بود، برای مستشاران و نظامیان آمریکایی و خدمتکاران آن‌ها، درخواست مصونیت قضایی کرد^۲ (نظیر حق استعماری که در معاهده‌ی ترکمانچای برای اولین بار برای روس‌ها قائل شده بودند و موجب تحقیر ایرانیان شده بود که بعد از انقلاب بلشویکی ملغی شد). در جلسه‌ی نیمه شب بیست و یکم مهر ۱۳۴۳، با تطمیع و تهدید نمایندگان، بی‌سروردا، این لایحه تصویب شد.

فکر کنید و پاسخ دهید:

لایحه‌ی کاپیتولاسیون، آمریکایی‌های مقیم ایران را از چه امتیازاتی برخوردار می‌کرد؟

به دنبال تصویب این لایحه، آمریکایی‌ها اعطای وام دویست میلیون دلاری به ایران را برای خرید اسلحه به تصویب رساندند.

امام خمینی که از طریق یکی از کارمندان دبیرخانه‌ی مجلس در جریان تصویب لایحه‌ی کاپیتولاسیون قرار گرفته بود^۳، طی یک سخنرانی بسیار مهیج که به قول یکی از محققان آمریکایی «انقلابی‌ترین تقریر سیاسی یکصد سال اخیر ایران» بود، به شدت آمریکا و اسرائیل و شاه را مورد حمله قرار داد.^۴

۱- امام خمینی به محض آزادی از زندان به مناسبت صدور حکم محکومیت آیت‌الله طالقانی و مهندس بازرگان اطلاعیه‌ای صادر کرد که در آن علاوه بر درخواست آزادی آن دو، نسبت به اعمال خلاف شرع هیئت حاکمه و خطر شناسایی اسرائیل و سلطه‌ی این رژیم برشونات کشور هشدار داد و در سخنرانی بعدی، عزم خود را بر ادامه‌ی نهضت اعلام و فرمودند: «اگر خمینی را دار بزنند، تفاهم نخواهد کرد. ملت با شما سازش نمی‌کند. من با تمام زورگویی‌ها مخالفم». ن. ک: کوثر، ج ۱، ص ۹۷-۸۰؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۵۷۲-۵۸۲.

۲- نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج‌ساله‌ی ایران، ج ۱، ص ۳۰۳؛ هوشنگ مهدوی، روابط خارجی، ج ۲، ص ۱۰۶.

۳- محلاتی، خاطرات، ص ۸۶؛ عراقی، ناگفته‌ها ص ۲۰۷.

۴- بیل، شیر و عقاب، ج ۲، ص ۱۹۶.

بیش‌تر بدانید

امام خمینی در مخالفت با تصویب لایحه‌ی کابینتولاسیون اظهار داشت: «این چند روزی که مسائل اخیر ایران را شنیده‌ام، خوابم کم شده است. ناراحت هستم. قلبم در فشار است... عزت ما پایکوب شد، عظمت ایران از بین رفت. عظمت ارتش ایران را پایکوب کردند. قانونی در مجلس بردند... اگر یک خادم آمریکایی، اگر یک آشپز آمریکایی مرجع تقلید شما را در وسط بازار ترور کند، زیر پایکوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد! دادگاه‌های ایران حق ندارند محاکمه کنند، بازپرسی کنند، باید بروند آمریکا! آن‌جا در آمریکا ارباب‌ها تکلیف را معین کنند...»^۱

دستگیری و تبعید امام خمینی



به دنبال این سخنرانی، با برقراری حکومت نظامی در تهران و قم، در نیمه شب سیزدهم آبان ماه ۱۳۴۳، امام خمینی در خانه‌ی مسکونی‌اش دستگیر و به فرودگاه مهرآباد تهران برده شد و به ترکیه تبعید گردید.^۲ تبعید امام خمینی علاوه بر واکنش مردم ایران که با تظاهرات و اعتصابات همراه بود، دارای بازتاب جهانی و واکنش شخصیت‌های علمی و سیاسی و دانشجویان ایرانی خارج از کشور بود.^۳ مدتی پس از تبعید امام خمینی و تحمیل فضای خفقان، یکی از اعضای هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی به نام محمد بخارایی، حسنعلی منصور را به جرم خیانت به کشور، در جلوی مجلس شورای ملی، ترور کرد که البته بعداً دستگیر شد و به همراه ۳ نفر دیگر از اعضای آن گروه تیرباران شدند و به شهادت رسیدند. پس از حسنعلی منصور، امیرعباس هویدا به نخست‌وزیری منصوب شد.

امام خمینی (ره) در دوران تبعید در ترکیه. در این دوران حکومت ترکیه استفاده از لباس روحانیت را برای امام ممنوع کرده بود.

۱- کوثر، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۸.

۲- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی؛ ج ۱، ص ۷۴؛ فردوست می‌نویسد: «تبعید امام خمینی به دستور مستقیم آمریکا صورت گرفت». ن. ک. ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۵۱۶.

۳- ن. ک. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۱۷-۴۲ و ص ۶۱-۸۱.

پرسش‌های نمونه

- ۱- حمله به مدرسه‌ی فیضیه قم و مدرسه‌ی طالبیه‌ی تبریز چه پیامدهایی به دنبال داشت؟
- ۲- دستگیری امام خمینی در خرداد ۱۳۴۲ چه واکنشی در جامعه ایجاد کرد؟
- ۳- قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ چه دستاوردهایی داشت؟
- ۴- مخالفت امام خمینی با لایحه‌ی کاپیتولاسیون چه واکنشی به دنبال داشت؟

اندیشه و جست و جو

- ۱- درباره‌ی کشتار مردم به وسیله‌ی مأموران حکومت پهلوی در پانزدهم خرداد ۴۲ مطلبی تهیه کنید.
- ۲- تبعید امام خمینی واکنش‌هایی در میان مردم و مجامع مذهبی به دنبال داشت. در مورد این واکنش‌ها مطلبی تهیه کنید.

تحولات ایران پس از تبعید امام خمینی

در این درس با تحولات سیاسی اجتماعی ایران پس از تبعید امام، از جمله سال‌های نخست‌وزیری هویدا، نفوذ بیش‌تر آمریکا در ایران و مبارزات ملت آشنا می‌شوید.

نخست‌وزیری هویدا

روی کارآمدن امیرعباس هویدا در بهمن‌ماه ۱۳۴۳ آغاز دوران تحکیم دیکتاتوری محمدرضاشاه بود. راز دوام نخست‌وزیری هویدا که به مدت سیزده سال طول کشید، این بود که وی مطیع محض اوامر شاه بود.

علاوه بر این، دوران رقابت‌های دیرینه و سنتی قدرت‌های بزرگ به‌ویژه انگلستان و آمریکا جای خود را به تعامل و همکاری برای تقسیم نفت، ذخایر و ثروت‌های ایران و منطقه‌ی خاورمیانه داده بود. با قدرت گرفتن جمهوری خواهان در آمریکا و روی کارآمدن ریچارد نیکسون، آمریکا نقش ژاندارمی خاورمیانه را به حکومت پهلوی واگذار کرد.

خریدهای تسلیحاتی سنگین رژیم پهلوی و پیامدهای آن

محمدرضاشاه که قدرت‌ش را بر پایه‌های دیوان سالاری دولتی، دربار و ارتش استوار ساخته بود،^۱ به پیروی از پدرش رضاشاه، به‌طور غیرمعتولی، به خرید تسلیحات نظامی روی آورد. به‌گونه‌ای که از سال ۱۹۷۴م/۱۳۵۳ش به بعد، شاه اولین مشتری سلاح‌های جنگی آمریکا در دنیا بود. سهم ایران در مخارج نظامی نسبت به تولید ناخالص ملی^۲ به‌طور متوسط سه برابر بیش‌تر از آمریکا و یا اتحاد جماهیر

۱- آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص ۳۹۸ و ۳۹۹.

۲- تولید ناخالص ملی عبارت است از ارزش پول کلیه کالاها و خدمات نهایی که اعضای یک ملت در طول یک سال تولید

شوروی و شش برابر بیش تر از کشورهای فرانسه و انگلستان بود.^۱ شاه به طور متوسط، سالیانه بیش از ۳۰ درصد از بودجه‌ی دولت را صرف هزینه‌های نظامی می‌کرد. خرید سلاح‌های نظامی در چارچوب سیاست رقابت تسلیحاتی آمریکا و شوروی با فروش نفت تأمین می‌شد.

همزمان با افزایش خرید تسلیحات نظامی ایران از آمریکا و وابستگی فزاینده‌ی نظامی کشور، بر میزان حضور مستشاران آمریکایی نیز افزوده می‌شد؛ به گونه‌ای که بیش‌ترین تعداد مستشاران آمریکایی در یک کشور خارجی در ایران حضور داشتند و این تعداد بالغ بر ۹۰ هزار نفر تا اواخر حکومت شاه بود.

افزایش سرسام‌آور بودجه‌ی نظامی بر بخش‌های عمرانی و اقتصادی و کشاورزی تأثیر سوئی داشت، کشاورزی و اقتصاد ایران نیز به تدریج به سمت وابستگی پیش رفت. فرآیند این وابستگی به سود آمریکا بود؛ زیرا درآمد حاصل از نفت صرف واردات کالاهایی می‌شد که پیش از اصلاحات آمریکایی و انقلاب به اصطلاح سفید، کشاورزان و صنعت‌گران ایرانی قادر به تولید آن‌ها بودند؛ بنابراین دلارهای نفتی، بار دیگر به مبدأ اولیه‌ی خود یعنی کشورهای غربی به ویژه آمریکا باز می‌گشت.^۲

شاه بخشی قابل توجه از درآمدهای نفتی را به خرید سهام و سرمایه‌گذاری در شرکت‌های ورشکسته‌ی اروپایی^۳ و آمریکایی^۴ و دادن وام به کشورهای وابسته به بلوک غرب^۵، اختصاص داد.

گسترش فساد اقتصادی در ارکان حکومت پهلوی

فساد و دخالت‌های بی‌رویه‌ی خاندان سلطنت در اقتصاد، باعث نابه‌نجاری‌های مختلفی شد. اعضای خانواده‌ی پهلوی، از طریق درآمد حاصل از فروش زمین‌های تصرف شده در دوره‌ی رضاشاه و برداشتن مستقیم بالغ بر دو میلیارد دلار از درآمدهای نفتی، هم‌چنین درآمدهای ناشی از دایر کردن

۱- فاروقی، ایران بر ضد شاه، ص ۱۱۹. به گفته‌ی تئودور سورنسون (Theodor Sornson) یکی از مقامات آمریکا، شاه بر پشتیبانی آمریکا از ارتش گران قیمتی اصرار می‌ورزید که برای امنیت داخلی بسیار بزرگ و برای یک جنگ تمام عیار بی‌فایده بود. ارتش شاه شبیه مرد افسانه‌ای است که این قدر سنگین وزن است که هیچ کار سبکی را نمی‌تواند انجام دهد و این قدر سبک است که قادر به هیچ کار سنگینی نیست. لطیفیان، ارتش و انقلاب اسلامی، ص ۱۳۳.

۲- فاروقی، ایران بر ضد شاه، ص ۱۳۵؛ فوران، مقاومت شکننده، ص ۴۶۵.

۳- کروپ آلمان، اوریدیف و سوفیدیف فرانسه و هیلمن انگلستان.

۴- نظیر شرکت استودیویبیکر که اخیراً اتومبیل‌های رامبلر را تولید می‌کرد.

۵- نظیر کمک به رژیم محمد زیادبارة رئیس‌جمهور سومالی و اهدای چندین فروند هواپیمای هرکولس به رژیم هابله سلاسی پادشاه اتیوپی و کمک به کشورهای دیگری نظیر مصر. در یک مورد شاه، ۹۰ فروند هواپیمای که از آلمان خریداری شده بود، به همراه مقادیر زیادی کمک‌های بلاعوض از جمله یکصد میلیون دلار به کشور پاکستان (که از متحدین آمریکا بود) هدیه کرد. ن. ک: طوفانیان، خاطرات، ص ۵۱-۵۵.

قمارخانه و مکان‌های فساد، قاچاق مواد مخدر، دلالی معامله‌های خارجی و مشارکت نامشروع در سهام صدها شرکت خصوصی و دولتی، سود کلانی می‌بردند. در رأس آن‌ها، شخص محمدرضا شاه و برادران و خواهرانش قرار داشتند و همه‌ی ارکان حکومت، اعم از نیروهای امنیتی و نظامی و اداری، در خدمت افزایش این ثروت‌های بادآورده بودند. به‌طوری که ناظران غربی، سرمایه‌ی خارج شده از کشور توسط شخص محمدرضا شاه را، بالغ بر بیست میلیارد دلار تخمین زده‌اند. همین امر، سبب احساس جدایی شدیدی بین حکومت و مردم شده بود.^۱

استمرار مبارزه پس از تبعید امام خمینی

«من برای دفاع از وطن تبعید شدم». این اولین سخن امام خمینی هنگام تبعید به ترکیه با افسر مأمور در درون هواپیما بود.^۲

امام خمینی در تاریخ ۱۳ مهرماه ۱۳۴۴ از ترکیه به نجف اشرف تبعید شد.^۳ در نجف، استقبال کم‌نظیر و باشکوهی از امام خمینی به عمل آمد.^۴ شاه با تبعید امام خمینی می‌خواست رهبری نهضت را از ایران دور نگاه دارد تا شعله‌های بیداری را در ایران خاموش کند. به همین منظور ساواک تلاش‌های زیادی کرد تا ارتباط امام خمینی را با مردم و یاران او قطع کند. حتی از چاپ و توزیع رساله‌ی امام خمینی به شدت جلوگیری کرد و دارنده‌ی آن را شش ماه تا دو سال به زندان محکوم می‌کرد.^۵ کوشش رژیم شاه برای دور کردن امام خمینی از ایران و فراموش شدن نام و راه ایشان، نتایج معکوسی به دنبال داشت؛ روز به روز پیوند رهبری با مردم عمیق‌تر و بر عظمت و محبوبیت وی افزوده شد.

امام خمینی در دوران تبعید با مواضع شجاعانه، هوشمندانه و نیز ساده‌زیستی مثال زدنی‌اش^۶

۱- آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب؛ ص ۴۰۰.

۲- رجیبی، زندگی‌نامه‌ی سیاسی امام خمینی، ص ۲۷۶.

۳- امام خمینی در زمانی که در ترکیه اقامت داشتند، اقدام به نوشتن کتاب تحریرالوسیله کردند. وی در این کتاب با طرح مسائل سیاسی و اجتماعی اسلام در کنار مسائل عبادی، در جهت بی‌اثر ساختن اندیشه‌ی استعماری تفکیک دین از سیاست گام ارزنده‌ای برداشت. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۳، ص ۱۲-۱۳.

۴- روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۱۱۷-۱۲۱.

۵- ن. ک. دوانی، نهضت روحانیون ایران، ج ۵، ص ۳۴؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۱۸۴ و

۲۶۹.

۶- خبرنگار روزنامه لوموند محل سکونت امام خمینی را چنین توصیف می‌کند: «مسکن محقر آیت‌الله خمینی همانند مسکن فقیرترین

افراد نجف است». مجله نور علم، شماره ۳۱، ص ۱۱۲. درباره‌ی ساده‌زیستی امام خمینی ن. ک. پا به پای آفتاب، ج ۲، ص ۲۷۷، ج ۳، ص ۲۱۳، ج ۴، ص ۲۰۶.

همه‌ی محدودیت‌ها و تنگناها را تحمل کرد^۱ و هم‌چون ستاره‌ای در ظلمت شب درخشید. او در اعماق دل مردم ایران و مبارزان مسلمان در کشورهای اسلامی و آزادی‌خواهان جهان جای گرفت. صفات و ویژگی‌هایی که در امام یک‌جا جمع شده بود، از وی شخصیت بی‌بدیل و متمایزی ساخته بود.^۲

امام خمینی در دوران تبعید پیوسته مردم را به استقامت^۳ دعوت می‌کرد و به آنان امید می‌بخشید.^۴ ایشان با تحلیل‌های روشنگرانه درباره‌ی مسائل ایران و حوادث خاورمیانه به‌ویژه جنگ اعراب و اسرائیل^۵ و سلطه‌ی همه‌جانبه‌ی آمریکا در ایران و پیامدهای فرهنگی و سیاسی ناشی از آن (که عظمت و استقلال ایران را مخدوش می‌کرد)،^۶ به روشنگری می‌پرداخت.

امام خمینی نیز کوشید میان روحانیون و دانشگاهیان در مبارزه علیه شاه وحدت ایجاد کند. وی خطاب به روحانیون می‌فرمودند: «شما دانشگاهیان را از خودتان دور نکنید؛ زیرا مقدرات ایران فردا به‌دست آن‌ها است».^۷ امام خمینی برای حفظ پایه‌های دین و استقلال ایران پیوند و احترام متقابل میان طبقات روحانی و دانشگاهی را ضروری می‌دانستند^۸ و به جوانان روشن‌فکر دانشگاه‌ها تأکید می‌کردند که اختلاف‌فکری میان دین و سیاست و روحانی و دانشجو از حربه‌های استعمار است تا آن‌ها را نسبت به هم بدبین کنند و در نتیجه، وحدت فکری و عملی میان این دو طبقه از میان برود و راه برای مقاصد شوم آن‌ها باز شود.^۹

امام خمینی، ضمن تبیین نظریه‌ی حکومت اسلامی که پیش از این در کتاب کشف‌الاسرار به طرح آن پرداخته بودند، به ضرورت تشکیل حکومت اسلامی بر پایه‌ی ماهیت سیاسی و اجتماعی دین مبین

۱- ن. ک. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۴۰۵، ۴۱۰، ۴۲۰-۴۱۹؛ سرگذشت‌های ویژه از زندگانی امام خمینی، ج ۱، ص ۹۱-۹۸.

۲- آموزگار، فراز و فرود دودمان پهلوی، ص ۴۶۵. اولویو وارن، شیر و خورشید، ص ۷۰؛ فوران، مقاومت شکننده، ص ۵۴۶.

۳- امام خمینی درباره‌ی صبر و استقامت در مبارزه فرمود: «لازم است خود را مجهز کنید و برای اعتلای کلمه‌ی حق مهبّای نامالیامات و سختی‌ها شوید تا موجب سرفرازی ملت مسلمان ایران فراهم شود». صحیفه‌ی نور، ج ۲، ص ۵۹.

۴- امام خمینی در سال ۱۳۴۶ فرمود: «من به شماها اطمینان پیروزی می‌دهم: اطمینان غلبه‌ی حق بر باطل». صحیفه‌ی نور، ج ۲، ص ۱۳۵.

۵- برای نمونه ن. ک. صحیفه‌ی نور، ج ۱، ص ۳۰۰ و ۳۸۴، ج ۲، ص ۴۳۸، ج ۳، ص ۳۴۵ به گفته‌ی یکی از محققان، مسئله‌ی اساسی

برای امام خمینی دیکتاتوری شاه، سرسپردگی او به ایالات متحده و روابط حسنه‌اش با اسرائیل بود؛ کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، ص ۲۷۲.

۶- ن. ک. صحیفه‌ی نور، ج ۱۱، ص ۷۲، ۱۱۱-۱۱۳، ج ۳، ص ۲۱۰ و ۲۶۷.

۷- صحیفه‌ی نور، ج ۳، ص ۲۴۹. هم‌چنین ج ۲، ص ۸۷.

۸- صحیفه‌ی نور، ج ۲، ص ۲۵۵ و ج ۳، ص ۳۲۶.

۹- همان، ج ۲، ص ۱۴۲.

اسلام اهتمام ورزیدند.^۱

رهبری سیاسی امام خمینی به عنوان مرجع تقلید، اندیشه‌ی جدایی دین از سیاست را که سالیان طولانی توسط رژیم پهلوی تبلیغ و ترویج می‌شد، کم‌رنگ کرد و فصل نوینی در اندیشه‌ی سیاسی و فکری جامعه ایران گشود.^۲

بیش‌تر بدانید

مبارزات روحانیت و نقش آن‌ها در بسیج توده‌های مردم مبارزهی مردم ایران در زمانی که رهبری نهضت در تبعید به سر می‌برد، با مجاهدت روحانیت ایران استمرار یافت و اندیشه‌ها، آرمان‌ها و مواضع سیاسی امام خمینی به مردم منتقل شد.^۳

در شهرهای مختلف ایران یک یا چند روحانی برجسته به‌عنوان نمایندگان امام خمینی حضور داشتند که علاوه بر انجام امور دینی و شرعی، رابطه‌ی میان مردم را با نهضت امام خمینی به‌طور مستمر زنده نگاه می‌داشتند. سازمان روحانیت شیعه با پیشینه‌ی تاریخی بیش از هزار سال به‌عنوان نهادی مستقل و مردمی در سراسر کشور و حتی در میان عشایر و روستاهای دورافتاده گسترده بود؛^۴ بنابراین اعلامیه‌ها، نوارها و پیام‌های امام خمینی با وجود فضای اختناق و کنترل‌های شدید نیروهای امنیتی و ساواک در سراسر کشور دست به دست منتقل می‌شد. این اقدام نقش مؤثری در بیداری و افزایش آگاهی سیاسی مردم ایران داشت.^۵

امام خمینی وظیفه‌ی اصلی روحانیت را بیدار ساختن توده‌های مردم اعلام کرد و بیداری ملت را مایه‌ی امید دانست.^۶

۱- ن. ک. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۷-۸ و ۴۸-۵۴.

۲- جهت اطلاع بیش‌تر ن. ک: کوثر، ج ۱، ص ۲۸۶؛ روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۲، ص ۴۹۴-۵۰۸؛ صحیفه نور، ج ۴، ص ۲۳؛ حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، ص ۶۰۴-۶۳۱؛ دهشیری، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی، ص ۵۱ به بعد.

۳- حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، ص ۶۳۵.

۴- فردوست، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، ج ۱، ص ۵۶۷.

۵- به گفته‌ی آخرین سفیر آمریکا در ایران؛ نه‌تنها رژیم شاه، بلکه ناظران خارجی از نفوذ و قدرت گسترده‌ی روحانیت در میان طبقات مختلف مردم درک و ارزیابی درستی نداشتند. سولیوان، مأموریت در ایران، ص ۶۶ و ۱۱۸.

۶- صحیفه‌ی نور، ج ۳، ص ۱۰۱. به‌عنوان مثال در ماه رمضان ۱۳۴۳ عده‌ای از روحانیون تهران برای روشنگری مردم در اقدامی هماهنگ تصمیم گرفتند هر شب در مسجد جامع تهران علیه احیای کاپیتولاسیون، سلطه‌ی سیاسی و اقتصادی آمریکا، نفوذ اسرائیل در ایران و تبعید غیرقانونی امام خمینی سخنرانی کنند. آن‌ها قرار گذاشتند که به محض دستگیر شدن یک نفر، دیگری سخنرانی کند. مأموران ساواک اقدام به دستگیری سخنرانان کردند اما باز نفر بعدی بالای منبر می‌رفت این موضوع تا بیست شب ادامه یافت. سرانجام ساواک و قوای انتظامی به مسجد جامع یورش بردند و پس از ضرب و شتم مردم با بستن در مسجد، این برنامه را تعطیل کردند. تمامی روحانیون دستگیر شده، محکوم به زندان بین یک تا دو سال شدند. روحانی، بررسی و تحلیلی از نهضت امام خمینی، ج ۱، ص ۷۹۲-۷۹۷.

بیش تر بدانید

استمرار مبارزه با تحمل سختی‌ها، شکنجه‌ها و زندان‌ها و تبعید و اعدام همراه بود. در این میان تعداد زیادی از روحانیون دستگیر، زندانی و تبعید شدند^۱ و عده‌ای نیز در هجوم مأموران سرکوبگر رژیم پهلوی و یا در زیر شکنجه‌های هولناک و قرون وسطایی ساواک به شهادت رسیدند که از میان آن‌ها می‌توان به آیت‌الله سیدمحمدرضا سعیدی، آیت‌الله حسین غفاری و سیدعلی اندرزگو اشاره کرد.^۲



سیدعلی اندرزگو



آیت‌الله غفاری



آیت‌الله سعیدی

نقش مراجع تقلید در مبارزات مردم مسلمان ایران تأثیرگذار و مهم بود. موضع‌گیری آن‌ها در قبال حوادث سیاسی بسیار تعیین کننده بود. در این باره می‌توان به مجاهدت‌های آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله نجفی مرعشی در قم و آیت‌الله خوانساری در تهران، آیت‌الله میلانی، سیدعلی بهبهانی و محلاتی در مشهد، اهواز و شیراز اشاره کرد. علاوه بر آن تشکّل‌های روحانی مانند جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران، جامعه‌ی مدرسین^۳ و مدارس حوزه‌های علمیه‌ی قم، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز، اهواز و ... نظیر مدرسه‌ی فیضیه نقش مهمی در گسترش اندیشه‌های انقلاب و تربیت طلاب جوان و بسیج توده‌های مردمی برعهده داشتند. مهم‌ترین مراکز و کانون‌های بیداری و مبارزاتی در دوران انقلاب، مساجد و حسینیه‌ها بودند؛ جایی که تجمع‌ها و حرکت‌های انقلابی و پرشور در آن شکل گرفت.

۱- از شمار دستگیر و تبعیدشدگان روحانی آمار دقیقی در دست نیست اما براساس گزارش بولتن‌های نوبه‌ای ساواک، از فعالیت‌های روحانیون در فاصله‌ی سال‌های ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۶، تعداد ۱۴۷۵ نفر از روحانیون دستگیر و تبعید شدند. حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، ص ۳-۶۶۲.

۲- جهت اطلاع بیشتر: ن.ک: یاران امام به روایت اسناد ساواک، شهید آیت‌الله حاج شیخ حسین غفاری، ص ۱۱ و ۱۶؛ شهید آیت‌الله محمدرضا سعیدی، ص ۳-۹ شهید سیدعلی اندرزگو، ص ۱-۳.

۳- «جامعه‌ی روحانیت مبارز تهران» و جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه قم مهم‌ترین تشکّل‌های روحانیت و حوزه در طول تاریخ انقلاب اسلامی از زمان شکل‌گیری آن تاکنون بوده است.

جشن‌های دوهزار و پانصدساله‌ی شاهنشاهی

شاه با گسترش پیوندهای سیاسی و نظامی با آمریکا احساس امنیت و اقتدار بیشتری کرد. افزایش قدرت ساواک، ارتش و پلیس و سرکوب مخالفان، همراه با ایجاد اختناق شدید، این احساس اقتدار را با نوعی حس تفاخر همراه کرد. به همین سبب، شاه که هنوز چندسالی از برگزاری جشن تاج‌گذاری‌اش در سال ۱۳۴۶ نگذشته بود، به پیشنهاد اسرائیلی‌ها به فکر برگزاری جشن‌های دوهزار و پانصدساله‌ی شاهنشاهی افتاد.^۱ جشن‌های دوهزار و پانصدساله‌ی نمایی از رؤیاهای بلند پروازانه شاه بود.^۲ او در مقایسه با بسیاری از شخصیت‌های مطرح جهان از وجهی مردمی برخوردار نبود و برای کسب اعتبار کاذب امیدوار بود که با پیوند دادن حکومت خود به کورش، پادشاه بزرگ هخامنشی، بتواند مشروعیت و محبوبیتی برای خود کسب کند.^۳ علاوه بر این شاه تلاش می‌کرد تا بخشی‌هایی از تاریخ ایران را نادیده بگیرد.^۴ این بخش‌ها شامل چند هزار سال تمدن تاریخ ایران باستان قبل از هخامنشیان مانند تمدن ایلامی‌ها و مادها و هزار و چهارصد سال تمدن ایران اسلامی بود.

مبارزات دانشجویی

جنبش دانشجویی در دهه‌های ۱۳۴۰ و ۱۳۵۰ خواهان آرمان‌هایی مانند عدالت اجتماعی، آزادی و استقلال و پیشرفت کشور بود. این جنبش پس از ۱۵ خرداد با روحانیت و دین پیوند استواری برقرار کرد.

انجمن‌های اسلامی دانشجویان که پیش از این در دانشگاه تهران شکل گرفته بود، در سایر دانشگاه‌های ایران توسعه یافت. این تشکل دانشجویی با هدف دفاع از اندیشه‌های مذهبی و هویت دینی و حفظ ارتباط با روحانیون محور فعالیت‌های خود را بر موضوعات فرهنگی و مقابله با افکار مارکسیستی و الحادی و مخالفت با ایده‌ی جدایی دین از سیاست متمرکز ساخت.^۵ گرایش محمدرضاشاه به فرهنگ غرب باعث تضعیف هویت ملی (ایرانی و اسلامی) و ایجاد پدیده‌ی از خودبیگانگی فرهنگی

۱- بزم اهریمن، جشن‌های دوهزار و پانصدساله‌ی شاهنشاهی، به روایت اسناد ساواک، ج ۱، ص ۷-۴۲ و ج ۲، ص ۸-۱۵؛ هلمز سینتیا، خاطرات همسر سفیر، ترجمه اسماعیل زند، ص ۷۹.

۲- زونیس، شکست شاهانه، ص ۹۹.

۳- هالیدی، دیکتاتوری و توسعه سرمایه‌داری در ایران، ص ۶۶ و ۶۷.

۴- شوکراس، آخرین سفر شاه، ص ۴۳ و ۴۴ و ۶۱-۶۴؛ بیل، شیر و عقاب، ج ۱، ص ۲۹۶ و ۲۹۷.

۵- جهت اطلاع بیشتر ن. ک: کریمیان، جنبش دانشجویی، ص ۱۷۷-۱۸۰ و ۲۱۶ و ۲۱۷.

در جامعه شد.^۱ در این زمان اندیشمندان و روشنفکران دانشگاهی و حوزوی، در برابر مسخ فرهنگ و ارزش‌های جامعه‌ی ایرانی برای احیای هویت دینی و بازگشت به خویشتن تلاش‌های فرهنگی گسترده‌ای کرده‌اند که در این باره می‌توان به نقش شخصیت‌هایی چون علامه طباطبایی، شهید مطهری، دکتر بهشتی، آیت‌الله خامنه‌ای، آیت‌الله طالقانی، آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، آیت‌الله مکارم شیرازی، دکتر باهنر، مهندس بازرگان، جلال آل‌احمد، دکتر شریعتی، دکتر مفتاح، علامه جعفری و علامه امینی (صاحب‌الغدیر) اشاره کرد.

راهبردهای مبارزه با رژیم پهلوی

با افزایش اختناق، مبارزه‌ی سیاسی برای سقوط رژیم پهلوی، شدت یافت. همزمان با این امر، ساواک، شهربانی و ژاندارمری نیز، برای مقابله با این فعالیت‌ها بسیج شدند و زیر نظر و هدایت آمریکا و انگلیس و با همکاری اسرائیل، «کمیته‌ی مشترک ضدخراب‌کاری» به راه افتاد.^۲ مخالفان رژیم پهلوی، در این زمان، سه گروه بودند: گروه اول، مسلمانان انقلابی که با اعتقاد به رهبری امام خمینی مبارزه می‌کردند و به مبارزه، به عنوان یک وظیفه‌ی اسلامی و تکلیف شرعی می‌نگریستند. از دیدگاه امام خمینی، بهترین راه مبارزه با شاه، افزایش آگاهی عمومی و بسیج همگانی مردم برای مبارزه‌ای فراگیر بود.

گروه دوم، چپ‌گرایان بودند. این طیف، با تأثیر پذیرفتن از اندیشه‌های مارکسیستی، راه‌رهایی را، در پیروی از نظریه‌های مارکسیستی می‌دیدند. از دیدگاه اغلب اینان، «تنها راه‌رهایی، جنگ مسلحانه» بود. تعلیم و تربیت چریک و به راه انداختن جنگ چریکی علیه حکومت پهلوی، از جمله اصلی‌ترین روش‌های آنان برای مبارزه بود.

گروه سوم، ملی‌گرایان بودند. اغلب آن‌ها اعتقادی به تغییر رژیم سلطنتی پهلوی نداشتند و معتقد بودند باید اصل سلطنت را پذیرفت ولی در جهت کاهش خودکامگی شاه تلاش کرد.^۳

۱- ن. ک: کدی، ریشه‌های انقلاب اسلامی، ص ۳۰۴.

۲- سولیوان، «مأموریت در ایران»؛ ص ۸۰.

۳- سنجایی، مصاحبه با رادیو بی. بی. سی.، «انقلاب ایران به روایت بی. بی. سی.»، ص ۲۹۵.

در آستانه‌ی پیروزی انقلاب اسلامی جبهه‌ی ملی هم‌چنان امیدوار بود با سیاست گام‌به‌گام و انجام اصلاحاتی در محدوده‌ی قانون اساسی نظام سلطنتی مشروطه را حفظ کند، اما با تشدید مبارزات ضداستبدادی به رهبری امام خمینی که مبانی مشروعیت رژیم پهلوی و غیرقانونی بودن آن را نشانه گرفته بود، موضع جبهه‌ی ملی و سایر نیروهایی که خواستار قانون اساسی مشروطیت بودند، در برابر مواضع قاطعانه‌ی امام خمینی کاملاً تغییر کرد. ن. ک: نجاتی، تاریخ سیاسی بیست و پنج ساله‌ی ایران، ج ۲، ص ۱۷۷.

در اواسط دهه‌ی ۱۳۵۰ ش، هر سه جریان به موازات یکدیگر فعالیت می‌کردند اما رشد و گسترش جریان اسلام انقلابی سریع‌تر و ریشه‌دارتر بود.

برگی از تاریخ

غلامرضا تختی (۱۳۰۹-۱۳۴۷ ش)



غلامرضا تختی در سال ۱۳۰۹ در محله‌ی «خانی‌آباد» تهران، در خانواده‌ای محروم به دنیا آمد. علاقه به ورزش، به‌ویژه رشته‌ی کشتی، از دوران کودکی در او وجود داشت. همین علاقه و استعداد زیاد باعث شد بسیار زود به قهرمانی کشور برسد.

غلامرضا تختی در طول مسابقه‌های ورزشی خود چهار مدال طلا و پنج مدال نقره گرفت. تختی با نزدیک شدن به آیت‌الله طالقانی مخالفت خود را با رژیم حاکم ایران نشان داد. محبوبیت فوق‌العاده‌ی او در جامعه و مخالفتش با نظام حاکم، رژیم پهلوی را نگران کرد. جسد او را در محل هتل آتلانتیک یافتند. دستگاه تبلیغاتی رژیم پهلوی اعلام کرد که او خودکشی کرد ولی باور عمومی این بود که او به دست عوامل ساواک کشته شده است.

شدیدترین برخوردها میان مبارزان و نیروهای امنیتی، از سال‌های ۱۳۵۰ به بعد صورت گرفت. ساواک دست به وحشیانه‌ترین شیوه‌های شکنجه و دستگیری مبارزان زد و اعدام مبارزان به صورت امری روزمره درآمد بود و بسیاری از انقلابیون زیر شکنجه‌های ساواک به شهادت رسیدند. زندانی و تبعید کردن روحانیان، دانشمندان، استادان دانشگاه، سخنوران و نویسندگان، اثر تبلیغی منفی شدیدی برای رژیم پهلوی داشت. در همین زمان «سازمان عفو بین‌المللی» اعلام کرد که ایران به لحاظ عده‌ی زندانیان سیاسی، در جهان مقام سوم را دارد.^۱

۱- کرباسچی، «هفت هزار روز»، ص ۷۴۵.

بیش‌تر بدانید

راهبرد امام خمینی و روحانیت در مبارزه برای ساقط کردن رژیم مستبد و وابسته‌ی پهلوی مبتنی بر مبارزه‌ی فرهنگی و بیدارگری بود.^۱ امام خمینی از مشی مبارزه‌ی مسلحانه حمایت نکرد اما در شرایط سخت مبارزاتی و تشدید سرکوب‌ها پس از ۱۵ خرداد و تبعید امام خمینی، برخی از گروه‌های مسلمان به مشی مبارزه‌ی مسلحانه روی آوردند.^۲ هرچند این گروه‌ها برخلاف گروه‌های مارکسیستی قاتل به اصالت مبارزه‌ی مسلحانه نبودند و به راهکارهای فرهنگی در کنار سایر زمینه‌ها توجه داشتند.^۳

در این زمینه می‌توان به جمعیت هیئت‌های مؤتلفه‌ی اسلامی و حزب ملل اسلامی اشاره کرد. علاوه بر آن‌ها گروه‌های کوچک دیگری مانند حزب‌الله، ابودر، الفجر، منصورون، مهدویون، موحدین، توحیدی صف، فلاح و سازمان توحیدی مجاهدین خلق که بیش‌تر در دهه‌ی پنجاه شکل گرفتند، اقدام به مبارزه مسلحانه کردند.^۴

۱- جهت اطلاع بیش‌تر ن. ک: هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲- آن‌ها بر این باور بودند که اگر در برابر خشونت رژیم با نرمش برخورد شود، رژیم گستاخ‌تر می‌شود. ن. ک: همان، ج ۱، ص ۲۴۱؛ مشی مسلحانه قبل از آن‌که انتخابی از سوی نیروهای مذهبی باشد، بر آن‌ها تحمیل شد. ن. ک: حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، ص ۸۷۴.

۳- هاشمی رفسنجانی، دوران مبارزه، ج ۱، ص ۲۳۹.

۴- جهت اطلاع بیش‌تر ن. ک: جعفریان، جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران، ص ۲۲۱ و ۵۱۷-۵۳۶؛ حسینیان، چهارده سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران، ص ۸۰۸-۸۷۰.

پرسش‌های نمونه

- ۱- خرید سلاح و تجهیزات نظامی از آمریکا چه تأثیری بر اقتصاد ایران داشت؟
- ۲- امام خمینی در دوران تبعید چه فعالیت‌هایی در پیش گرفت؟
- ۳- انگیزه‌ی شاه از برگزاری جشن‌های دوهزاروپانصد ساله‌ی شاهنشاهی چه بود؟
- ۴- انجمن‌های اسلامی دانشجویان با چه اهدافی تشکیل شد و محور فعالیت آن چه بود؟
- ۵- درآمدهای حاصل از فروش نفت در سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۶ در چه زمینه‌هایی هزینه می‌شد؟
- ۶- مخالفان حکومت پهلوی را چه گروه‌هایی تشکیل می‌دادند و شیوه مبارزه هر کدام چگونه بود؟

اندیشه و جست و جو

— درباره زندگی و شخصیت هویدا، مقاله‌ای تهیه کنید.